

تفصیل مطرح شده در کلام شیخ انصاری در مفهوم شرط:

۱. تاکنون ادله کسانی که به صورت مطلق برای جمله شرطیه قائل بر مفهوم بودند و همچنین ادله کسانی که می گفتند جمله شرطیه دلالتی بر مفهوم ندارد، مورد بررسی قرار گرفت.

۲. اما در این میان مرحوم شیخ انصاری، در مسئله مطلبی را مطرح می کنند که نتیجه‌ی آن تفصیل در مسئله است (و البته از آن پاسخ می دهند). ایشان با توجه به مبنای خود در بحث وضع هیأت (که آن را معنی حرفی و در نتیجه جزئی حقیقی می دانند)، می نویسند که اگر «حکم در جزا، مدلول هیأت است» (و هیأت، هیأت انشایی است که مفاد آن معنی حرفی است)، جمله شرطیه دارای مفهوم نیست ولی اگر «حکم در جزا مدلول ماده است» (و ماده، معنی اسمی است)، جمله شرطیه دارای مفهوم است.

۳. مثال ایشان برای دو نوع حکم چنین است:

«این جائک زید فاکرمه» ← «و جوب اکرام ناشی از هیأت انشاء است.

«این جائک زید فیجب اکرامه» ← «و جوب اکرام ناشی از ماده و جوب است.

۴. دلیل مرحوم شیخ بر مدعای خود چنین است:

«و جوب اکرام» اگر ناشی از هیأت باشد، چون جزئی حقیقی است، لاجرم یک شخص از وجود است و لذا وقتی شرط منتفی شود، عقلاً آن شخص از وجود هم منتفی می شود (یعنی آن و جوب اکرامی که قرار بود از مجیء حاصل شود، عقلاً، با عدم مجیء، حاصل نمی شود)

و این مفهوم اصطلاحی نیست، چرا که مفهوم اصطلاحی در جایی است که «عدم شرط» به «عدم سنخ حکم» منتفی شود. و این در حالی است که چون «و جوب اکرام» در چنین مواردی جزئی است، «عدم جزا» به معنای «عدم شخص حکم» است و دلالتی بر «عدم سنخ حکم» ندارد.

ولی اگر «و جوب اکرام» ناشی از ماده باشد، حکم ناشی از ماده، کلی است و لذا وقتی با «عدم شرط»، «سنخ جزا» منتفی شود، مفهوم از آن استفاده می شود.

۵. مرحوم نایینی بدون اینکه از قائل این تفصیل یاد کند، مطلب را چنین مورد اشاره قرار می دهد:

«ان الحكم المستفاد من التالی المعلق علی وجود الشرط إذا كان مفهوما اسمیا كالوجوب

المدلول علیه بكلمة يجب و أمثالها فلا إشكال

و اما إذا كان مفهوما حرفیا و مستفادا من الهيئة فرما يشكل فی دلالة القضية الشرطية حينئذ

علی المفهوم بان مفاد الهيئة معنی جزئی و انتفائه بانتفاء شرطه عقلی فلا ربط له بالمفهوم لأن



المفهوم عبارة عن ارتفاع سنخ الحكم بانتفاء الشرط المذكور في القضية و اما انتفاء شخص
الحكم المذكور فيها فهو عقلي و أجنبي عن باب المفهوم»^١

ما می گوئیم:

مرحوم شیخ در مطارح الانظار، مطلبی که به ایشان نسبت داده شده است را در قالب فرق بین مفهوم در وصیت‌ها
و اوقاف و بین سایر موارد، مورد اشاره قرار داده است.^٢



١ . اجود التقريرات، ج ١، ص ٢١٩
٢ . ن ک: مطارح الانظار، ج ٢، ص ٣٩